

سُبْحَانَ اللَّهِ اللَّهُمَّ اللَّهُ هُوَ الْمَلَكُ وَالْمَلَكُ وَالْمَلَكُ

## عقاید اساسی و مسلم دین اسلام

— از دیدگاه اهل سنت و جماعت —

اشاره: آنچه در پی می آید تلخیص رساله «العقیده الحسنه» امام شاه ولی الله محدث دهلوی به همراه اضافات مختصری با اقتباس از کتاب های عقاید علما و دانشمندان اهل سنت است که در کتاب «آیین زندگی در پرتو کتاب و سنت» اثر علامه سید ابوالحسن علی حسینی ندوی آمده است.

خیراند و سبب نیکی می شوند. شیاطین نیز از مخلوقات خداوند متعال هستند و برای انسان ها سبب شر و بدی قرار می گیرند. جن ها نیز آفریده و مخلوق او هستند.

قرآن مجید کلام الهی است؛ کلمات و معانی آن همگی از جانب الله است. قرآن مجید کامل است و از هر گونه تحریف و تغییر الی الابد محفوظ است و هر کسی معتقد به تحریف و تغییر آن باشد، مسلمان نیست.

در اسما و صفات الهی، تحریف و تغییر جایز نیست؛ یعنی درست نیست که او را به صفات نامناسبی متصف کنیم، یا اسما و صفاتش را به گونه ای که شایسته ذات او نیست تأویل نماییم. در این زمینه فقط حکم شرع، معتبر است.

معاد جسمانی حق و ثابت است. پل صراط از قرآن و حدیث ثابت است. میزان (ترازوی عدل) حق است. بهشت و دوزخ نیز حق اند و آفریده شده اند.

ارواح، خلق شده اند و فنا نمی شوند و قدیم هم نیستند. مسلمانی که مرتکب

است و نه عرض<sup>(۳)</sup> و جسم. در هیچ جا و سمتی محدود نیست. او «مستوی علی العرش» است. روز قیامت، مؤمنان به دیدارش مشرف می شوند. هر چه بخواهد می شود و هر چه نخواهد نمی شود. او غنی است به هیچ چیز نیاز ندارد. کسی بر او فرمانروایی نمی کند. از او نمی توان پرسید که چه می کند، به خلاف مخلوقات که مورد پرسش قرار می گیرند. هیچ چیزی بنابر واجب قرار دادن دیگران بر او واجب نمی شود. او متصف به حکمت است و هیچ کارش خالی از حکمت نیست. جز او، کسی حاکم نیست. تقدیر خوب و بد، از جانب «الله» است. علم ازلی و ذاتی او به هر چیزی که موجود شده و یا می شود احاطه دارد. اوست که پیش آمدها را قبل از وجود، قابل وجود قرار می دهد.<sup>(۴)</sup>

الله تعالی، فرشتگانی دارد که بلندمرتبه و مقرب اند. بعضی از فرشتگان، مأمور به نوشتن اعمال انسان هستند، عده ای مأمور به حفاظت بندگان از مصایب، و عده ای مأمور به فراخواندن انسان ها به کار

این جهان، آفریننده ای دارد قدیم که همواره بوده و همیشه خواهد بود. واجب الوجود است و عدم را بر او راهی نیست. به جمیع صفات کمال متصف است و از هرگونه نقص و عیب مبرا است. اوست آفریدگار همگی مخلوقات و دانای جملگی دانستنی ها. حی، سمیع و بصیر است. نه ماندی دارد و نه ضد و همتایی؛ بی مثل و مانند است و احدی مددگار او نیست. در واجب الوجود بودن و استحقاق عبادت و بندگی و خلق و تدبیر کاینات از هرگونه شریکی مبرا است. احدی جز او، مستحق عبادت (یعنی نهایی ترین درجه تعظیم) نیست. فقط اوست که به بیمارانش شفا می بخشد و به مخلوقات رزق می دهد و مشکلات را برطرف می سازد. «إنما أمره إذا أراد شیئاً أن یقول له کن فیکون» [یس: ۸۲]؛ جز این نیست فرمانش چون [آفریدن] چیزی را بخواهد، این که به او گوید: موجود شو! پس بی درنگ موجود می شود.

از حلول و اتحاد پاک است، در ذات و صفاتش از حدوث<sup>(۱)</sup> مبرا است. نه جوهر<sup>(۲)</sup>

و نهی از منکر [به شرطی که سبب بروز فتنه نشود] و امید پذیرش غالب باشد، واجب است.

ما به تمام انبیا و رسل و کتاب‌های نازل شده بر آنان ایمان داریم و در میان انبیا علیهم‌السلام فرقی قائل نیستیم.<sup>(۷)</sup> ایمان، این است که انسان به زبان اقرار نموده و به دل تصدیق نماید.

افعال بندگان نیز آفریده‌های خداوند به‌شمار می‌آیند، البته کسب از خود بندگان است.

ما به علامات قیامت چنان‌که در احادیث آمده است یقین داریم.

ما به وحدت و اجماع امت اسلامی معتقدیم و آن را حق و موجب ثواب دانسته، تفرقه و اختلاف را گمراهی و کج‌فکری و موجب عذاب می‌دانیم. ■

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- تعلق صفات با متعلقات دارای حدوث است، اما صفات مانند ذات مبرا از حدوث‌اند.

۲- جوهر: آنچه تحقق آن در خارج، محتاج امر دیگری نیست، یعنی قائم‌به‌ذات است.

۳- عرض: آنچه جزء طبیعت و ماهیت ذاتی چیزی نباشد، مانند رنگ برای جسم.

۴- در حدیث صحیح آمده است که آن‌حضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: هیچ بنده‌ای موفق نمی‌شود، مگر این‌که به تقدیر خوب و بد ایمان بیاورد و بداند که هر چه به او رسیده است ممکن نبوده که از آن رهایی یابد، و از آنچه نجات یافته است ممکن نبوده که به او برسد. (رواه الترمذی)

۵- در حدیث است که صحابه و یاران مرا بد نگویند؛ اگر کسی از شما به اندازه کوه «احد» طلا انفاق کند، به اندازه انفاق یک مُد (حدود یک کیلو) یا نصف مُد انفاق آنان، به او ثواب نمی‌رسد.

۶- اهل قبله در اصطلاح متکلمین و علمای عقیده، کسانی هستند که به ضروریات دین اعتقاد دارند. مراد از ضروریات دین، اموری هستند که ثبوت آنها در شریعت مشهور و معروف است. پس هر

کسی مطلبی از ضروریات دین مانند عقیده حدوث عالم و حشر اجساد و علم خداوند به جزئیات را قبول نکند، یا به فرضیت نماز و روز معتقد نباشد از اهل قبله محسوب نمی‌شود، هرچند در عبادات دیگر مجاهده نماید. همچنین اگر کسی یکی از نشانی‌های کفر و علامت تکذیب دین، مانند سجده برای بت‌ها و اهانت امور شرعی و استهزای آنها را اختیار کند، از اهل قبله خارج می‌شود.

۷- به این معنی فرق قائل نیستیم که به یکی ایمان داشته باشیم و دیگری را قبول نداشته باشیم؛ اما تفاوت درجات انبیا مسئله دیگری است. مترجم

نبوت علی‌الاطلاق از ولایت افضل است. هیچ یک از اولیای خدا، هر قدر بلندمرتبه باشد، نمی‌تواند به درجه صحابی رسول برسد، گرچه آن صحابی از صحابه بزرگ نباشد. البته فضیلت صحابه بر اولیا بنا بر کثرت ثواب و مقرب و مقبول بودن در بارگاه الهی است، نه بنا بر کثرت عمل.<sup>(۵)</sup>

صحابه کرام رضوان‌الله‌علیهم بهترین مؤمنان و بعد از انبیا علیهم‌السلام بهترین خلایق به شمار می‌آیند. ما برای «عشره مبشره» گواهی می‌دهیم که آنان اهل بهشت‌اند. ما به اهل بیت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و ازواج مطهرات آن‌حضرت احترام می‌گذاریم و آنان را دوست می‌داریم و به بزرگی و مقام بلند آنان، اعتقاد داریم و به همین منوال برای اهل بدر و کسانی که در بیعت رضوان شرکت داشته‌اند عظمت و احترام قائل هستیم. اهل سنت به عدالت صحابه اعتقاد دارند، اما قائل به عصمت آنان نیستند و در مورد اختلافات و مشاجرات آنان، سکوت اختیار می‌کنند [زیرا خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که در مقام داور بین صحابه کرام قرار گیرند]. مترجم.

بعد از رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، حضرت ابوبکر اولین خلیفه و جانشین ایشان، حضرت عمر خلیفه دوم، حضرت عثمان خلیفه سوم و حضرت علی خلیفه چهارم آن‌حضرت هستند. بعد از آن خلافت بر منهای نبوت به پایان رسید و ملوکیت پدیدار گشت.

ما صحابه کرام را جز به خیر و نیکی یاد نمی‌کنیم، آنان پیشوایان و رهبران دینی ما هستند.

ما هیچ یک از اهل قبله را «کافر» قرار نمی‌دهیم<sup>(۶)</sup> مگر این‌که وجود خالق کاینات و قادر مطلق و مختار را انکار نماید، یا غیر الله را عبادت کند، یا منکر معاد و نبوت باشد، یا این‌که مطلبی از ضروریات دین را رد کند.

جایز و حلال دانستن گناه، کفر است [به شرطی که گناه بودن آن ثابت شده باشد]. استهزای شریعت و به مسخره گرفتن احکام آن کفر است. امر به معروف

گناهان کبیره شده است، برای همیشه در دوزخ نخواهد ماند. شفاعت در حق کسانی که خداوند اجازه بدهد، حق است. شفاعت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم مقبول است.

عذاب قبر، برای فاسق و بدکار، و راحت و نعمت آن برای مؤمن و نیکوکار، حق است. سؤال منکر و نکیر، حق است. بعثت پیامبران به سوی مخلوق، حق است. مکلف قرار دادن بندگان به امر و نهی توسط پیامبران، حق است.

انبیای الهی با صفات خاصی متصف‌اند که دیگر انسان‌ها من‌حیث‌المجموع فاقد آنند، و همین صفات دلیل بر نبوت آنان است. از آن جمله خوارق عادات‌اند که به آن معجزه می‌گویند. سلامتی فطرت و اخلاق برجسته و نمونه، از جمله صفات انبیا است. انبیا علیهم‌السلام از کفر و ارتکاب کبایر و اصرار بر لغزش معصوم و محفوظ‌اند.

محمد رسول‌الله، خاتم انبیاست و بعد از او هیچ پیامبری نمی‌آید. دعوت او برای کلیه انسان‌ها و جن‌هاست. او در این ویژگی و در خصایص دیگر از همه انبیا افضل است. بدون ایمان آوردن به رسالت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم ایمان معتبر نمی‌شود. تنها اسلام دین حق است و جز آن هیچ دین دیگری نزد خداوند معتبر و در آخرت موجب نجات نیست. معراج حق است. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حالت بیداری از مسجدالحرام به بیت‌المقدس برده شد و از آن‌جا به جایی که خواست الهی بود سیر داده شد.

کرامات اولیای کرام، حق و ثابت است و آنان کسانی هستند که عارف به ذات و صفات الهی‌اند و در ایمانشان به مرحله احسان و کمال رسیده‌اند. خداوند متعال، هر کس را بخواهد به این مرتبه مشرف و رحمت خاصش را شامل حال او می‌کند. تکلیف شرعی از احدی ساقط نمی‌شود، هرچند به مرتبه ولایت رسیده باشد. چنین بنده‌ای همواره مکلف به انجام فرایض است و هیچ چیزی از محرمات خدا و گناهان تا مادامی که صحیح‌الحواس و عاقل باشد، بر وی حلال و جایز نیست.